



شروع به داوری

سیدمحمد اسدی نژاد*
یوسف فروتن**

چکیده

با توجه به اهمیت جایگاه داوری در حل اختلافات و تشویق افراد جامعه به مراجعه به نهاد داوری، ضرورت دارد آنچه به‌عنوان یکی از اهداف طرفین اختلاف که به‌جای مراجعه به دادگستری به داوری پناه می‌آورند و آن همانا رهایی از اطالهی دادرسی دولتی (دادگستری) است در عمل نیز محقق گردد و تحقق آن جز با تبیین فن داوری و سازوکارهای آن امکان‌پذیر نیست. دادرسی دولتی در محاکم قضایی نقطه‌ی آغاز و پایانی دارد؛ به‌عبارتی با تقدیم دادخواست و برگزاری اولین جلسه‌ی دادرسی شروع و با صدور رأی ظرف یک هفته پس از اعلام ختم دادرسی پایان می‌یابد در داوری بین‌المللی و داخلی نیز ضرورت دارد تا نقطه‌ی شروع و پایان آن یعنی مدت داوری معلوم و معین و داور نیز مکلف به اظهارنظر در مهلت مقرر باشد. در داوری داخلی عدم رعایت این مدت و اظهارنظر داور در خارج از مدت داوری از موجبات ابطال رأی وی خواهد بود. در داوری بین‌المللی نیز، با توجه به اصل سرعت در تجارت و توجه به این امر که داوری نیز عمدتاً در قراردادهای بازرگانی، حمل و نقل، بیمه و غیره مرسوم است در مواردی که طرفین مدت داوری را تعیین نموده باشند داور مکلف به اظهارنظر در آن مدت و در صورت عدم تعیین مدت با الهام از مقررات داخلی مدت سه ماه برای اظهارنظر داور قابل بود. عدم اظهارنظر داور در مدت‌های مقرر از موجبات تأخیر وی و سلب صلاحیت از اظهارنظر داوری خواهد بود.

کلید واژه‌ها

شروع به دادرسی، شروع به داوری، صلاحیت - داوری، دادگاه.

yousef.forotan@yahoo.com
Asadinzhad@guilan.ac.ir

*. عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان، (نویسنده مسئول)
**. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

مقدمه

ضرورت ارتباط و داد و ستد تجاری- اقتصادی کشورها و تحول روزافزون وسایل ارتباطی در دنیای امروزی ایجاب می‌کند تا کشورها در همه‌ی زمینه‌ها سعی و تلاش وافر از خود نشان دهند و به‌سرعت امکانات خود را با پیشرفت‌های جهان هماهنگ نمایند. این تحول نیز به نوبه‌ی خود گسترش مبادلات تجاری و بازرگانی را به‌دنبال دارد و این مبادله ممکن است از نوع خریدوفروش کالا، حمل کالا، بیمه کالا و ... باشد. در همه‌ی این مبادلات قطعاً برابر قراردادهای مبادله شده‌ی فی‌مابین ممکن است یکی از طرفین از تعهدات خود در قبال دیگری به هر دلیلی امتناع ورزد و یا هرگونه اختلاف و برداشتی از قرارداد ظاهر شود. در این‌گونه موارد همان‌گونه که اصل سرعت در تجارت به‌عنوان یکی از اصول اولیه تجارت شناخته شده‌است، آن‌ها ضمناً علاقه‌مندند در صورت بروز اختلاف نیز به‌سرعت این اختلافات برطرف شده و هرچه سریع‌تر به مقصود خود یعنی منفعت تجاری برسند. شکی نیست سیستم قضایی دولتی از این حیث مشکل آنان را حداقل در زمان کوتاه و با هزینه‌ی کمتر حل نخواهد کرد؛ لذا به فکر چاره افتادند و راه‌های دیگری برای حل و فصل اختلافات پیش‌بینی کردند از جمله‌ی آن‌ها «داوری» است. در مقاله‌ی حاضر، سوالاتی به شرح ذیل مطرح است:

- ۱- شروع به دادرسی قضایی دولتی و نقطه‌ی پایان آن چه زمانی است.
- ۲- شروع به داوری در حقوق داخلی و بین‌المللی چه زمانی است به‌عبارتی مدت دادرسی قضایی و داوری داخلی و بین‌المللی و آثار آن کدام است؟

۱- شروع به دادرسی در دادگاه

اصولاً در دادرسی‌های حقوقی آغاز و شروع به دادرسی‌ها اهمیت به‌سزایی است. از آنجایی که تشریفات شروع و برگزاری دادرسی حقوقی و مقررات و اصول مربوط به آن در قانون آیین دادرسی مدنی جمع‌آوری شده‌است ضرورتاً برای بحث حاضر نیز به مقررات این قانون مراجعه می‌شود؛ در ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، اعلام می‌دارد: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوی را برابر قانون درخواست نموده باشند.»

بنابراین، در دعاوی حقوقی و اصطلاحاً امور ترافعی، تا شخص یا اشخاص ذی‌نفع درخواستی از دادگاه نمایند، تکلیفی برای محاکم برای شروع به رسیدگی ایجاد نمی‌شود. یا در ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ قانون‌گذار اعلام می‌دارد: «شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد، دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.» و در ماده‌ی ۴۹ قانون آیین دادرسی: «مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده و رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و

سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید، تاریخ دادخواست به دفتر تاریخ اقامه‌ی دعوی محسوب می‌شود.» بنابراین، قانون آیین دادرسی مدنی شروع به رسیدگی را منوط به تقدیم دادخواست به دفتر دادگاه نموده و مفاد دادخواست نیز که حاوی نام و مشخصات مدعی علیه، خواسته، و شرح آن است به دفتر دادگاه تسلیم می‌شود، زمانی که دادخواست در دفتر دادگاه ثبت شد (گرچه دادخواست ناقص باشد)، آن تاریخ، تاریخ اقامه‌ی دعوی محسوب می‌شود. به‌دنبال مقررات فوق قانون‌گذار با شرح شرایط شکلی دادخواست و چنانچه دادخواست تقدیم شده دارای نواقص بود تکلیف مدیر دفتر در اخطار رفع نواقص و پس از تکمیل‌النهاییه با تأیید تکمیل بودن، آن را به نظر دادگاه می‌رساند تا چنانچه دادگاه نیز دادخواست و شرایط و منضمات آن را کامل یافت، به تصریح ماده‌ی ۶۴ قانون مرقوم دستور تعیین وقت و ابلاغ آن را صادر نماید و پس از ابلاغ به شرح مقررات مندرج در مبحث دوم آن قانون (ماده‌ی ۶۷ لغایت ۸۲) موجبات تشکیل جلسه‌ی دادرسی در موعد مقرر فراهم گردد. جلسه‌ی دادرسی باید در روز و ساعتی که از قبل تعیین گردیده و به اصحاب دعوی ابلاغ شده تشکیل شود و طبق معمول چنانچه موجبات و مقدمات رسیدگی فراهم باشد، جلسه تشکیل می‌شود و این مقطع شروع دادرسی است. در قانون مرقوم آثار مثبت و منفی بسیاری برای اولین جلسه‌ی دادرسی برای خواهان و خوانده در پی دارد. چنانچه آنان به وظایف و حقوق خود در این جلسه قیام نکنند، متحمل خسارات جبران‌ناپذیری خواهند شد. بنابراین، یک زمان و تاریخ به‌عنوان تاریخ اقامه‌ی دعوی است و آن عبارت است از تاریخ رسید دادخواست به دفتر دادگاه (قسمت اخیر ماده‌ی ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی) و زمان دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تاریخ شروع دادرسی و اولین جلسه‌ی دادرسی است که آن عبارت است از زمانی که دادخواست پس از ثبت در دفتر دادگاه و تأیید تکمیل کلیه شرایط آن توسط مدیر دفتر به نظر دادگاه می‌رسد و متصدی دادگاه (قاضی دادگاه) نیز تکمیل آن را تأیید و دستور ابلاغ و تعیین وقت دادرسی را صادر می‌کند و پس از ابلاغ دادخواست در زمان مقرر جلسه‌ی دادگاه در محل مقرر با حضور اصحاب دعوی تشکیل می‌شود و قاضی محکمه با حضور اصحاب دعوی یا بدون حضور آنان (در صورتی که در ماده‌ی ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، امر ابلاغ به‌نحو صحیح انجام شده باشد، ضرورتی به حضور آنان نیست) جلسه را تشکیل می‌دهند و دادرسی شروع می‌شود.

۱-۱- اولین جلسه دادرسی، (شروع دادرسی)

شروع به رسیدگی دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست است؛ دادرسی در معنای عام خود از تقدیم دادخواست شروع می‌شود و به صدور رأی منتهی می‌شود. منظور از جلسه‌ی دادرسی نشستی است که به ادعای مدعی، که قبلاً به‌وسیله‌ی دادخواست مطرح نموده و به مدعی علیه دادخواست نیز ابلاغ شده، رسیدگی می‌شود. اصطلاح جلسه‌ی دادرسی در بسیاری مواد قانون آیین دادرسی مدنی به‌کار رفته است از جمله

مواد ۳۴-۴۴-۶۲-۸۷-۹۰-۹۳-۹۵-۹۷-۹۹-۱۰۴-۱۰۷-۱۳۲-۱۳۵-۱۳۸-۱۴۳-۱۴۴-۲۰۰-۲۱۷-۲۷۶-۴۵۰-۵۰۷.

در قانون جدید آیین دادرسی مدنی، در مواد متعددی عبارت «اولین جلسه» ملاحظه می‌شود در بعضی مواد هم عبارت «جلسه‌ی اول دادرسی» به کار رفته است. و هیچ‌یک از قانون‌گذاران قدیم (مصوب ۱۳۱۸) و جدید (۱۳۷۹) قانون آیین دادرسی مدنی تعریفی از اولین جلسه‌ی دادرسی ننمودند، نظر به آثار اولین جلسه‌ی دادرسی ضروری است تا معیار دقیقی برای تمیز آن با سایر جلسات دادرسی مشخص گردد. اولین جلسه‌ی دادرسی اولین جلسه‌ای است که موجبات رسیدگی فراهم بوده و خوانده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان، با لحاظ تغییرات احتمالی آن که به تجویز ماده‌ی ۹۸ قانون جدید انجام می‌گیرد، داشته باشد. (شمس، ج ۲، ص ۱۶۱) منظور از اولین جلسه‌ی دادرسی اولین جلسه‌ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد در صورتی که به جهتی جلسه‌ی مزبور تجدید شود جلسه یا جلسات بعدی جلسه‌ی اول محسوب نمی‌شود^۱ (متین، ص ۲۴۸)

۱-۲- ختم دادرسی

به موجب ماده‌ی ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی «پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه‌ی انشاء رأی نموده و به اصحاب دعوی اعلام می‌نماید؛ در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشاء و اعلام رأی می‌کند.» به عبارتی، پس از اقامه دعوی دادگاه جهت صدور رأی قاطع، مذاکرات طرفین را تا آنجایی که لازم است ادامه می‌دهد و در این جهت هر چند بار اقتضاء داشته باشد جلسه دادرسی را تجدید می‌نماید. البته، با ذکر علت تا به تمام ادعاها و ادله‌ای که مورد استناد قرار داده‌اند در جهت کشف حقیقت و فصل خصومت رسیدگی نماید. در این جهت از جمله با صدور قرارهای کارشناسی، تحقیق، و معاینه‌ی محل ملاحظه پرونده‌های استنادی، استماع گواهی گواهان و غیره در جهت کشف حقیقت و در اجرای ماده‌ی ۱۹۹ قانون مرقوم به تحقیقات خود ادامه می‌دهد. پس از حصول به نتیجه، چنانچه جلسه‌ی دادرسی دیگری لازم نباشد، ختم دادرسی را اعلام و ظرف یک هفته صدور رأی می‌نماید. گرچه در سال‌های اخیر قوه‌ی قضائیه در جهت کاهش اطاله‌ی دادرسی مبادرت به تعیین بازه‌ی زمانی مشخصی بسته به نوع دعوی با ابلاغ دستورالعمل‌هایی اقدام نموده، ولی مسیر قانونی و تقنینی خود را هنوز نگذرانده و در حد دستورالعمل‌های داخلی است.

نکته‌ی دیگری که قابل ذکر است در ماده‌ی ۲۹۸ و قسمت اخیر ماده‌ی ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی قاضی محکمه در پایان هر جلسه دادرسی چنانچه پرونده معد صدور رأی نباشد و به جلسه‌ی دیگری نیاز داشته باشد، باید علت مزبور در ذیل صورت‌جلسه قید و روز ساعت جلسه‌ی بعد تعیین شود و به اصحاب

۱. رأی اصراری شماره‌ی ۳۰۳۰۳۰۳-۳۹۰۱۰۳، ه.ع. شعب حقوقی د.ع.ک

دعوی در صورتی که دعوی قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد ابلاغ شود که دادگاه نسبت به همان قسمت رأی می‌دهد و نسبت به قسمتی دیگر رسیدگی را ادامه خواهد داد. از سویی دیگر، مراجع قضایی دولتی در رسیدگی و صدور رأی تابع تشریفات و مقرراتی هستند که عدم رعایت آن‌ها موجب تخلف انتظامی و مستوجب مجازات‌های مقرر در قانون است.^۱ از این رو، معمولاً قضات در رسیدگی و برای پرهیز از تحمل مجازات‌های انتظامی در مواعد مقرر و معقول و متناسب اقدام قانونی متناسب با پرونده و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نمایند.

۲- شروع به داوری

۲-۱- شروع به داوری و مدت آن در حقوق داخلی

در مورد شروع به داوری، ضمانت اجرای انتظامی برای داوران در مقررات پیش‌بینی نشده است به عبارتی در دادرسی دولتی چنانچه قاضی در مهلت مقرر قانونی به وظیفه‌ی خود عمل ننماید، مرتکب تخلف انتظامی و مستوجب مجازات انتظامی است؛ در حالی که در مورد داوران چنین ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. اصولاً از جمله دلایل مراجعه به نهاد داوری فرار از اطلاعاتی دادرسی دولتی است. لذا، با این هدف و رویکرد قطعاً مدت در داوری و شروع آن از اهمیت والایی برخوردار است. البته، با توجه آزادی اراده‌ی طرفین در ارجاع اختلاف به داوری در مورد مدت نیز آنان آزادند تا مدت را با توافق یکدیگر تعیین نمایند. در هر حال، این مدت باید به تأیید داور در زمان قبولی داوری برسد. ماده‌ی ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می‌دارد: «هر مورد که داور تعیین می‌شود باید مدت داوری..... تعیین گردد.....»

ابتدای مدت داوری در هر مورد که داور یا داوران توسط یک طرف یا طرفین انتخاب می‌شود روزی است که داوران قبول داوری نموده و موضوع اختلاف، مشخصات طرفین و داوران، شرایط داوری به همی آن‌ها ابلاغ شده باشد.^۲ لذا مدت داوری از روزی شروع می‌شود که مراتب فوق به آخرین شخص ابلاغ شده است. و در موردی که داوران توسط دادگاه انتخاب شده باشند، تاریخ ابلاغ به داوران ابتدای مدت داوری است.^۳ و در صورتی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده‌اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند ابتدای داوری روزی است که موضوع برای انجام داوری به تمام داوران ابلاغ شده باشد.^۴ با توجه به تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده‌اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان، شخص یا اشخاص معینی

۱. نظامنامه راجعه به تشخیص انواع تقصیرات قضات و تعیین مجازات آن‌ها

۲. ماده‌ی ۴۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۳. ماده‌ی ۴۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی

۴. تبصره‌ی ماده‌ی ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی

داوری نماید اگر مدت داوری معین نشده باشد، مدت آن سه ماه است. ظاهر مقرره‌ی فوق ناظر به موردی است که موافقت‌نامه‌ی داوری پیش از بروز اختلاف تنظیم شده است، اما چون جز مدت مزبور مدت دیگری در قانون جدید آیین دادرسی مدنی به‌عنوان مدت داوری تعیین نشده است و موافقت‌نامه‌ی پیش از بروز اختلاف نیز از این حیث ویژگی ندارد از ملاک این نقص در سایر موافقت‌نامه‌های داوری نیز می‌توان استفاده نمود. (شمس، ج ۳، ص ۵۳۲) به‌عبارتی با آنچه که قبلاً اشاره شد این که هدف از ارجاع به داوری تسریع در رسیدگی و صدور رأی است مدت داوری باید محدود باشد و در صورتی که طرفین با وصف انتخاب داور مدت داوری را تعیین نکرده باشند مدت داوری سه ماه است. درموردی نیز که دادگاه مبادرت به تعیین داور یا داوران می‌نماید گرچه با توجه به مدلول ماده‌ی ۴۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی در نگاه نخست می‌توان پذیرفت که مدت داوری را دادگاه مشخص می‌نماید و تمديد آن نیز در صلاحیت دادگاه است، اما قسمت اخیر ماده‌ی ۴۷۴ قانون مرقوم دلالت بر این دارد که در هر حال مدت داوری قراردادی (در صورت عدم توافق خلاف آن) و یا قانونی (سه ماه) است. (شمس، ج ۳، ص ۵۳۲)

۲-۲- ضمانت اجرای عدم رعایت مدت

رأی داور باید در مدت داوری صادر شود. در صورت صدور رأی در غیر مدت داوری و معترض نبودن طرفین به داوری اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند، وفق قسمت اخیر ماده‌ی ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه طبق مقررات قانونی نسبت به رسیدگی و صدور رأی اقدام می‌نماید و نیز به موجب بند ۴ ماده‌ی ۴۸۹ قانون مرقوم در صورتی که رأی داور پس از پایان مدت داوری صادر تسلیم شده باشد باطل است و قابلیت اجرایی ندارد و هریک از طرفین می‌تواند به استناد ماده‌ی ۴۹۰ قانون مزبور ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی حکم به بطلان آن را درخواست و دادگاه نیز به همین جهت به بطلان رأی داور صادر می‌کند.

۲-۳- شروع به داوری و مدت آن در داوری بین‌المللی

قانون داوری نمونه‌ی آنستیرال ۱۹۸۵ در ماده‌ی ۲۱ آن با عنوان شروع جریان داوری اعلام می‌دارد: «مگر آنکه بین طرفین به‌نحو دیگری موافقت شده باشد، رسیدگی داوری در خصوص یک دعوای خاص در تاریخی که دادخواست ارجاع آن دعوا به داوری توسط خواننده دریافت می‌شود شروع می‌گردد.» ماده‌ی ۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران^۱ نیز اشعار می‌دارد: «شروع جریان داوری»

الف- داوری از زمانی شروع می‌شود که درخواست داوری براساس مفاد ماده‌ی ۳ این قانون به خواننده داوری ابلاغ شده باشد، مگر این که طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند.

۱. روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، دوشنبه ۱۳۷۶/۷/۲۸ سال پنجاه و سوم شماره‌ی ۱۵۳۳۵

ب- جز در مواردی که ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد. درخواست داوری باید حاوی نکات زیر باشد:

۱- درخواست ارجاع اختلاف به داوری.

۲- نام و نشانی طرفین.

۳- بیان ادعا و خواسته‌ی آن.

۴- شرط داوری و یا موافقت‌نامه‌ی داوری.

درخواست داوری ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد تعدد داوران و چگونگی انتخاب آنان به شرح مذکور در فصل سوم این قانون و همچنین راجع به موافقت‌نامه‌ها، قراردادهای، و یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده‌است باشد. شروع جریان داوری مرحله‌ی مهمی از داوری است. آنچه در قانون داوری تجاری بین‌المللی مورد توجه ویژه‌ی قانون‌گذار قرار گرفته اصل حاکمیت اراده است که در بسیاری مواد این قانون مراعات شده است و در ابتدا یا انتهای برخی از مواد به این عبارت برخورد می‌کنیم: «مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.» یا «در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق نکرده باشند.» بند الف ماده‌ی ۴ نیز از این قاعده مستثنی نیست. چون در قسمت اخیر آن مقرر شده: «مگر این که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.» بدین ترتیب، با توجه به مقررهای ماده‌ی ۲۷ قانون مرقوم که در مورد قانون حاکم بر داوری مقرر شده و این که داور در رسیدگی به اختلاف، قوانین ماهوی یا مادی کدام کشور را رعایت خواهد کرد، نیز در بند یک ماده‌ی مذکور قانون‌گذار بدو به قانون منتخب و تراضی شده طرفین احترام گذارده و در مرحله‌ی بعد به داور تکلیف نموده براساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی نماید که به موجب قاعده‌ی حل تعارض مناسب تشخیص دهد و نیز با نگاه به ماده‌ی ۱۹ قانون مذکور می‌توان نتیجه گرفت در مورد بحث شروع به داوری نیز چون از قواعد آمره مقررات داوری تجاری بین‌المللی نیست، لذا طرفین می‌توانند در این خصوص توافق کنند بدین معنا که آن‌ها می‌توانند برابر قرارداد تعیین کنند که شروع داوری چه مقطعی باشد. فلذا، چنانچه آنان در قرارداد داوری توافقی در مورد آغاز و شروع داوری و چگونگی آن ننموده باشند، بدیهی است همین قاعده تفسیری یا کمیلی که در ماده‌ی ۴ آورده شده قابل اجراست، یعنی همان قاعده‌ی ابلاغ درخواست داوری به خواننده داوری.

۲-۴- درخواست داوری

برابر بند ب ماده‌ی ۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی و در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ آن، آنچه باید در درخواست داوری ذکر شود محتوای درخواست داوری بیان شده است. البته، با این یادآوری که در صدر بند ب ماده‌ی مرقوم قانون‌گذار بدو به اراده‌ی افراد توجه داشته است: «جز در مواردی که ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد، درخواست داوری باید حاوی نکات ذیل باشد» بنابراین، طرفین قرارداد اصلی

که شرط داوری ضمن آن آورده شده یا طرفین موافقت‌نامه داوری درجایی که موافقت‌نامه داوری مستقل موجود است، می‌توانند در مورد محتوای درخواست داوری نیز توافق کنند که در صورت بروز اختلاف طرفی که متقاضی ارجاع امر به داوری است، در درخواست خود چه نکاتی را باید قید نماید. حال اگر چنین توافقی نداشتند، آن‌گاه برابر بندهای ۱ الی ۴ بند ب ماده‌ی ۴ و قسمت اخیر آن باید اقدام شود. به عبارتی همان‌گونه که شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست است. (ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی) در داوری تجارت بین‌الملل نیز شروع به داوری منوط به تقدیم درخواست داوری با شرایطی که در بند ب ماده‌ی ۴ قید شده در مرحله‌ی اول و در مرحله‌ی بعد ابلاغ آن به خواننده داوری است.

۲-۵- ابلاغ درخواست داوری به خواننده داوری

گرچه در ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین داوری مدنی اعلام شده: «داوران در رسیدگی و رأی تابع مقررات قانون آیین داوری مدنی نیستند» یا در ماده‌ی ۱۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی اعلام شده: «طرفین می‌توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی داوری توافق نمایند»، ولی در رسیدگی‌های قضایی یا در داوری، اصول تضمین‌کننده‌ی داوری منصفانه با رعایت برابری اصحاب دعوی در هر حال باید رعایت شود. از جمله این اصول اصل تناظر و اصل حق دفاع است.^۱ (شمس، ج ۲، ص ۱۳۱) به عبارتی اصل تناظر الهام‌بخش این فکر است که منافع اصحاب دعوی مورد حمایت قرار گیرد، تکلیف آگاه نمودن طرف مقابل از طرح دعوی و تکلیف دادرسی یا مقام رسیدگی‌کننده در رعایت دقیق بی‌طرفی و مستدل نمودن آرای خود رعایت شود.

در حقوق ایران نیز، در نظام قضایی ایران در دادرسی‌ها مورد توجه بوده، در دعاوی و شکایات علیه شاه نیز وی دربار عامی که هر سال به قضاوت موبد موبدان ترتیب می‌داد در حضور مدعی تاج از سر بر می‌گرفت تا موقعیتی برابر با مدعی پیدا نموده و تساوی موقعیت طرفین، در نزد قاضی تأمین گردد و موبد موبدان به آن پس از استماع ادعاها و ادله خواهان و خوانده (شاه) اقدام به صدور رأی می‌نمود و البته شاه، چنان‌چه محکوم می‌گردید در صورتی تاج را مجدداً بر سر می‌گذاشت که حکم را اجرا نموده باشد. (صانعی، ص ۴۱) در فقه نیز اصل تناظر از اصول اولیه در محاکمه و رسیدگی قضایی محسوب می‌شود. شاید گویاترین دلیل در این خصوص حدیثی از امام محمدباقر (ع) است که فرمودند «اذا تقاضی الیک رجلان فلا تقض للاول حتی تسمع من الاخر» هرگاه دو نفر برای قضاوت به شما مراجعه نمودند تا دفاع دیگری را نشنیده‌اید به نفع اولی قضاوت (حکم) نکنید. (محقق داماد، ص ۲۳۶ و ۲۳۷)

در هیچ‌یک از دو قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ شمسی اصل تناظر، تحت این عنوان یا عنوانی مشابه به صراحت منصوص نگردیده بود، در قانون جدید

1. contradiction

آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز هیچ نصی به این اصل اختصاص نیافته است. در عین حال با بررسی مقررات مزبور و آرای دیوان عالی کشور ایران در می‌یابیم که مفهوم اصل تناظر و ضرورت رعایت آن همواره مورد توجه قانون‌گذار ایران و دیوان عالی کشور و سایر مراجع بوده و هست و مواد متعدد از قانون آیین دادرسی مدنی به آن اشاره دارند.^۱ با توجه به اهمیت اصل حق دفاع و اصل تناظر که در هر حال در همه رسیدگی‌ها مورد توجه قانون‌گذاران در مقاطع مختلف قانون‌گذاری چه به تلویح یا به تصریح بوده و هست، این مهم در مورد داوری تجاری بین‌المللی و نقطه‌ی آغاز آن ذکر و توجه دوچندان به آن شده است. این که در بند الف ماده‌ی ۴ قانون‌گذار اعلام می‌نماید: «داوری از زمانی شروع می‌شود که درخواست داوری براساس مفاد ماده‌ی ۳ این قانون به خواننده داوری ابلاغ شده باشد».

۳- آثار شروع داوری

در رسیدگی قضایی و دولتی همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، تاریخ اقامه‌ی دعوی عبارت است از تاریخ تقدیم دادخواست و تاریخ شروع دادرسی عبارت است از اولین جلسه‌ی دادرسی که پس از تقدیم دادخواست و ابلاغ آن با حضور طرفین یا بدون حضور آن‌ها، در صورتی که امر ابلاغ صحیح انجام شده باشد، تشکیل می‌شود. در قانون آیین دادرسی مدنی، قانون‌گذار در بند ۱۱ ماده‌ی ۸۴ قانون مرقوم از جمله ایراداتی که خواننده دعوی می‌تواند طرح نماید این است که: «دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد» این ایراد در مواردی قابل پذیرش است که قانون‌گذار مدعی حق را مکلف نموده که در موعد معین اقامه دعوی نماید. از آن جمله می‌توان به ماده‌ی ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده‌ی ۱۱۶۲ قانون مدنی و مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت اشاره نمود.^۲

بدیهی است که ایراد مزبور متفاوت از ایراد مرور زمان است که در بند ۴ ماده‌ی ۱۹۷ ق. ق پیش‌بینی شده بود و در قانون جدید در امور حقوقی براساس قانون آیین دادرسی مدنی قابل طرح نیست.

۱. بند ۳ ماده‌ی ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ در قانون قدیم آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۶ نیز اصل مزبور تحت عنوان یاد شده (contradiction) و ضمانت اجرای آن تصریح نگردیده بود اما مدونین قانون جدید (که از اول ژانویه ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردید)، همان‌طور که گفته شد، اصل مزبور را در مواد ۱۷-۱۴ تصریح نمودند.

۲. به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت، دارنده براتی که به‌علت عدم پرداخت اعتراض شده، چنان‌چه تمایل داشته باشد از حقی که در ماده‌ی ۲۴۹ همین قانون پیش‌بینی شده (اقامه دعوی مسئولیت تضامنی) استفاده نماید، باید ظرف مدت یکسال (دو سال در مورد برواتی که باید در خارج تأدیه شود) از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. برخلاف سفته و برات که ضامنین صادرکنندگان و ظهرنویسان با آن‌ها دارای مسئولیت تضامنی هستند، یکی از اعضا هیئت علمی دانشکده حقوق اثبات نموده‌اند که در مورد چک دخالت ضامن و بنابراین مسئولیت تضامنی وی منتفی است، فخاری، دکتر امیرحسین، ضامن در چک، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، پاییز- زمستان ۷۷- شماره ۲۴- ۲۳، ص ۹. (برگرفته از شمس- دکتر عبدالله- آیین دادرسی مدنی، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم بهار ۸۱، جلد اول، ص ۴۹۱۰).

لذا با توجه به تاریخ اقامه‌ی دعوی، که همان حکم مقرر در ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی است (تاریخ تقدیم دادخواست و ثبت آن در دفتر دادگاه ذی‌صلاح)، مشخص خواهد شد در هر مورد دعوی در موعد مقرر قانونی در مواد فوق‌الاشاره اقامه شده یا خیر؟
در داوری تجاری بین‌المللی نیز تاریخ شروع داوری دارای آثاری است به قرار ذیل:

۳-۱- معلوم شدن ابتدای مدت داوری

در داوری داخلی از جمله مواردی که در قانون آیین دادرسی مدنی در بند ۴ ماده‌ی ۴۸۹ موجب ابطال رأی داور می‌شود این است که رأی داوری پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد. بنابراین، آنچه از مفهوم ماده قابل استنباط است این است که داوران باید در مدت داوری اظهارنظر نمایند و این مدت باید در قرارداد داوری به‌طور صریح مشخص شده باشد. این تکلیف طرفین به تعیین مدت داوری در ماده‌ی ۴۵۸ قانون مرقوم ذکر شده و در مواد بعدی من‌جمله مواد ۴۶۵-۴۶۸-۴۷۴ و تبصره‌ی ماده‌ی ۴۸۴ نیز از مدت داوری در فروض مختلف سخن گفته است.^۱ سرانجام ضمانت اجرای آن را بند ۴ ماده‌ی ۴۸۹ بدین ترتیب اعلام نموده که چنانچه رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد، رأی داوری باطل است. در مورد داوری تجاری بین‌المللی در ماده‌ای از این که لزوم تعیین مدت داوری استنباط شود دیده و ملاحظه نمی‌شود و از عبارت «شروع داوری» غیر از ماده‌ی ۴ فقط در بند ۲ الف ماده‌ی ۱۱ آن از این عبارت استفاده شده: «الف- برای تعیین هیئت داوری هر طرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یکی از طرفین ظرف ۳۰ روز از تاریخ شروع داوری داور خود را تعیین و قبول وی را تحصیل نکند» بنابراین، ملاحظه می‌شود یکی از آثار شروع داوری در بند ۲ الف ماده ۱۱ هویدا شد و آن نیز عبارت است از این که برای تعیین هیئت داوری هر طرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب سرداور را تعیین خواهند نمود. حال اگر یکی از طرفین ظرف ۳۰ روز از تاریخ شروع داوری، داور خود را تعیین و قبولی وی را تحصیل نکند و یا اگر داوران منتخب طرفین نتوانند ظرف ۳۰ روز از تاریخ انتخاب در مورد سرداور توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده‌ی ۶ صورت خواهد گرفت. صرف‌نظر از اینکه در مقررات و مواد قانون داوری تجاری بین‌المللی تصریحاً به لزوم تعیین مدت داوری اشاره‌ای نشده ولی از مجموع مقررات و مواد آن و الهام از مقررات داخلی ضرورت دارد تا طرفین قرارداد به این مهم نیز توجه و مدت اظهارنظر داوران را در قرارداد داوری مشخص نمایند و در این صورت تعیین زمان شروع داوری برای احتساب آن مدت ضرورت یافته و از

۱. ماده‌ی ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی: «در هر مورد که داور تعیین می‌شود باید موضوع و مدت داوری و نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به‌طوری که رافع اشتباه باشد تعیین گردد»

اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. همان‌گونه که بیان شد در مواد قانون داورى تجارى بين‌المللى ماده‌اى به اين امر كه طرفين قرارداد بايد مدت داورى را نيز در قرارداد داورى مشخص نمايند وجود ندارد. ولى در ماده‌ى ۳۲ قانون مرقوم قانون‌گذار در مورد صدور رأى اصلاحى يا تفسيرى در بندهاى ۱ و ۲ براى داور مدت تعيين نموده و آن عبارت است از اين كه چنان‌چه هريك از طرفين يا داور راساً متوجه اشتباه در محاسبه، نگارش و يا اشتباهات مشابه شوند، طرفين مى‌توانند ظرف ۳۰ روز از تاريخ ابلاغ رأى تقاضاى اصلاح رأى را نمايند و داور نيز در اين مورد ظرف ۳۰ روز از تاريخ وصول تقاضا و در موردى كه خود راساً متوجه اشتباه يا ابهام شود ظرف ۳۰ روز از تاريخ صدور رأى نسبت به اصلاح يا تفسير رأى اقدام خواهد كرد. حال كه براى صدور رأى تصحيحى يا تفسيرى و اصلاحى بشرح فوق قانون‌گذار در مقام بيان مدت برآمد قطعاً باور اين مطلب كه در صدور رأى اصلى مدت لحاظ نشود دور از ذهن و برخلاف قواعد و مقررات حقوق بين‌الملل هست چه يكى از ضروريات ارجاع امر به داورى بين‌الملل رهاى از اطاله، دادرسى دولتى و پناه آوردن به داورى، سرعت در داورى و حل‌وفصل اختلافات در کوتاه‌ترين زمان ممكن است. (مافى، ص ۱۰۶) در اين مورد مفاد ماده‌ى ۱۴ قانون داورى تجارى بين‌المللى نيز قابل توجه است از اين حيث كه به انجام وظيف داورى بدون تأخير تأكيدهاى ورزيده است چنان‌چه انجام وظيفه‌ى وى با تأخير مواجه شود مسئوليت وى خاتمه يافته تلقى مى‌شود، مراد از تأخير يعنى انجام وظيفه را بدون جهت و سبب موجه به زمان بعد موكول نمودن است كه مورد تأييد قانون‌گذار واقع نشده است از طرفى قيد عبارت «تأخير» در ماده‌ى مرقوم بيانگر اين معناست كه بايد زمان مشخص و معلوم براى داورى موجود باشد تا تأخير معنا و مفهوم داشته باشد به عبارتى چنان‌چه قابل باشيم كه «مدت داورى» نامحدود است تأخير مصداقى نخواهد داشت بنا بر اين با اين تعبير از جمله شرايط قرار داد داورى قيد مدت در آن است تا داور مكلف به اظهارنظر در آن مدت باشد و در مواردى كه طرفين در قرار داد داورى مدتى قيد ننمودند برابر قسمت اخير بند ۴ ماده‌ى ۲۷ قانون داورى تجارى ايران داور بايد رعايت عرف بازرگانى در مدت معقول و مناسبى بسته به نوع اختلاف اظهارنظر نمايد. به علاوه، مفاد ماده‌ى ۳۱ قانون داورى تجارى بين‌المللى نيز مفهوم اين معناست كه ختم رسيدگى در صورت توافق طرفين يا عدم لزوم به ادامه رسيدگى اعلام خواهد شد كه در صورت توافق طرفين عملاً مدت داورى با توجه به زمان شروع داورى در اختيار طرفين اختلاف خواهد بود و در مورد عدم لزوم به ادامه رسيدگى نيز با وحدت ملاك از مقررات داورى داخلى مى‌توان در فرض عدم قيد مدت داورى حكم مقررات تبصره ذيل ماده‌ى ۴۸۴ قانون آيين دادرسى مدنى را در داورى بين‌المللى جارى كرد و مدت سه ماه را براى اظهارنظر داور تعيين نمود.

۳-۲- با شروع به داوری متقاضی امر داوری تصمیم قاطع خود را برای اجرای حقوق خود اعلام می‌دارد

در حقوق داخلی هم برابر ماده‌ی ۱۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ یکی از طرق مطالبه‌ی حق به‌صورت رسمی ارسال اظهارنامه به شرحی است که در ماده‌ی مرقوم بیان شده و در شرایطی که حق منوط بر مطالبه‌ی داین باشد تاریخ ابلاغ اظهارنامه نیز به‌عنوان تاریخ مطالبه‌ی داین محسوب و مبنای محاسبه‌ی خسارات نیز قرار خواهد گرفت من‌جمله خسارت تأخیر موضوع ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی. و نیز به‌موجب ماده‌ی ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ در بند ۹ آن چنانچه مستأجر در مهلت مقرر در ماده‌ی ۶ همان قانون از پرداخت اجاره‌بها خودداری می‌کند در موردی که سند اجاره عادی است یا اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه قسط یا اقساط عقب‌افتاده را نپردازد موجر می‌تواند تقاضای تخلیه عین مستأجر را بنماید. لذا شروع به اقدامات قانونی دلالت بر این امر دارد که صاحب حق در اجرای حقوق و استیفای آن جازم است. داوری تجاری بین‌المللی نیز از این امر مستثنی نیست به‌عبارتی خواهان به‌صورت تاکتیکی از این امر استفاده می‌نماید. گرچه باید توجه داشت چنانچه از شروع داوری تنها به‌عنوان تاکتیک استفاده شود، ممکن است خواهان با مشکل اختیار داوران در رد دعوا، در صورت تأخیر، غیرمعمول و ناموجه در تعقیب آن روبه‌رو شود.^۲

۴- شروع به داوری در برخی مقررات بین‌المللی و کشورها

قوانین و قواعد داوری مختلف زمان‌های متفاوتی را برای شروع داوری مقرر کرده‌اند برای مثال در ذیل به تاریخ شروع داوری در قواعد داوری برخی سازمان‌های داوری و قوانین داوری اشاره می‌شود.

۱. در هرکس می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست، حق خود را به‌وسیله‌ی اظهارنامه از دیگری مطالبه نماید، مشروط بر این که موعده مطالبه رسیده باشد. به‌طور کلی، هرکس حق دارد اظهاراتی را که راجع به مطالبات و تعهدات خود با دیگری است و بخواهد به‌طور رسمی به وی برساند. ضمن اظهارنامه به طرف ابلاغ نماید. اظهارنامه توسط اداره‌ی ثبت اسناد و املاک کشور یا دفاتر دادگاهها ابلاغ می‌شود. تبصره- اداره‌ی ثبت اسناد و دفتر دادگاهها می‌تواند از ابلاغ اظهارنامه‌هایی که حاوی مطالب خلاف اخلاق و خارج از نزاکت باشد خودداری نمایند.

۲. بند ۱ ماده‌ی ۲۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی: «۱- چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقدیم درخواست قصور کند، داور قرار ابطال دادخواست داوری را صادر خواهد کرد.»

یا برای مثال ببینید: ماده‌ی (۳) ۴۱ قانون داوری انگلستان ۱۹۹۶

The UK Arbitration Act 1996. Article 41(3): "If the tribunal is satisfied that there has been inordinate and inexcusable delay on the part of the claimant in pursuing his claim and that the delay(a) gives rise. Or is likely to give rise. To a substantial risk that it is not possible to have a fair resolution of the issues in that claim. Or (b) has caused. Or is likely to cause serious prejudice to the respondent. The tribunal may make an award dismissing the claim."

قواعد انجمن داوری آمریکا^۱ در ماده‌ی ۲ مقرر می‌دارد که داوری با یک اخطار یا ابلاغ کتبی که به انجمن و طرف دیگر ارسال می‌شود و در تاریخی که آن اخطار توسط انجمن دریافت می‌شود شروع خواهد شد. قواعد داوری آی. سی. سی. نیز در ماده‌ی ۳ تاریخ شروع داوری را تاریخ دریافت درخواست داوری توسط آی. سی. سی. می‌داند. قواعد داوری دادگاه داوری بین‌المللی لندن^۲ در ماده‌ی ۱ قاعده‌ای شبیه به قاعده‌ی آی. سی. سی. مقرر می‌نماید و می‌افزاید که یک نسخه از درخواست داوری^۳ باید برای خواننده هم فرستاده شود.^۴ قواعد کمیسیون داوری تجاری و اقتصادی بین‌المللی چین^۵ در ماده‌ی ۱۳ مقرر می‌دارد که داوری در تاریخی شروع می‌شود که خواننده اخطار داوری را که توسط کمیسیون صادر و به وی ابلاغ می‌شود، دریافت دارد. قواعد داوری مرکز منطقه‌ای قاهره و قواعد مرکز داوری بین‌المللی هنگ‌کنگ نیز که قواعد آنستیتال را پذیرفته‌اند، براساس ماده‌ی ۳(۲) قواعد اخیر تاریخ شروع داوری را تاریخ وصول اخطار داوری توسط خواننده می‌داند.^۶ قواعد داوری ایکسید (امکان اضافی) تاریخ شروع داوری را زمانی می‌داند که "دبیر کل به طرفین ابلاغ کند که همه داوران انتصاب خود را پذیرفته‌اند"^۷، در حالی که در داوری‌های موردی همانند بسیاری از قوانین ملی داوری، دریافت سند آغازگر توسط خواننده تاریخ شروع داوری محسوب می‌شود؛ برای مثال، در داوری‌های موردی وقتی طرفین قواعد آنستیتال را می‌پذیرند، همان‌گونه که ذکر گردید، براساس ماده ۳ (۲) آن قواعد داوری زمانی شروع می‌شود که درخواست داوری توسط طرف دیگر دریافت می‌شود. همچنین، برخی قوانین ملی که از قانون داوری نمونه آنستیتال الهام گرفته‌اند، ماده‌ی ۲۱ این قانون را پذیرفته‌اند. این ماده مقرر می‌دارد چنانچه طرفین در مورد زمان شروع داوری توافق نکرده باشند، جریان داوری در تاریخی شروع خواهد شد که درخواست ارجاع دعوا به داوری توسط خواننده دریافت می‌شود.^۸ در قانون داوری انگلستان، شروع داوری از زمان ابلاغ اخطار کتبی خواهان به طرف مقابلاست، مبنی بر اینکه داور را نصب کند یا با وی در نصب داور

1. American Arbitration Association (AAA)

2. London Court of Arbitration(LCIA)

3. Request for arbitration

۴. ماده‌ی ۱۴ قواعد داوری دادگاه داوری تجاری بین‌المللی مسکو، ماده‌ی ۶ قواعد داوری مؤسسه‌ی داوری هلند، ماده‌ی ۵ قواعد داوری مؤسسه‌ی داوری اتاق بازرگانی استکهلم و ماده‌ی ۷ قواعد داوری سازمان جهانی مالکیت فکری نیز تاریخ مقرر برای شروع داوری را تاریخی می‌دانند که سازمان‌های مربوطه سند آغازگر داوری را دریافت می‌نمایند.

5. China International Economic and Trade Arbitration Commission (CIETAC Arbitration Rules 2005)

6. UNCTRAL Arbitration Rules. Article . 3(2). " Arbitral proceedings shall be deemed to commence on the date on which the notice of arbitration is received by the respondent".

7. ICSID Arbitration(Additional Facility Rules. Article 13"(1) The Tribunal shall be deemed to be constituted and the proceeding to have begun on the date the Secretary- Genetal notifies the parties that all the arbitrators have accepted their appointment.

۸. برای مثال ببینید: ماده‌ی ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی آلمان، ماده‌ی ۲۱ قانون داوری و میانجی‌گری هند ۱۹۹۶، ماده‌ی ۲۱ قانون داوری فدراسیون روسیه، ماده‌ی ۱۹ قانون داوری سوئد.

موافقت کند.^۱ در قانون سوئیس داوری از زمانی جریان می‌یابد که یک طرف دعوی خود را نزد داور تعیین شده در موافقت‌نامه داوری ثبت می‌نماید یا چنانچه داور تعیین نگردیده است، از زمانی که یکی از طرفین شروع به نصب داور یا تشکیل دیوان داوری می‌کند، داوری جریان می‌یابد.^۲ در قانون داوری هلند نیز در جایی که داوری به موجب شرط داوری^۳ یا موافقت‌نامه تنظیم شده بیش از ایجاد دعوا برگزار می‌گردد، داوری زمانی شروع می‌شود که یکی از طرفین (خواننده) خطاری کتبی از طرف دیگر (خواهان) دریافت می‌دارد که وی در حال شروع دعوی داوری است.^۴ به موجب این قانون در داوری دعوی موجود^۵ داوری زمانی شروع شده محسوب خواهد شد که توافق‌نامه ارجاع دعوا ایجاد شده به داوری^۶ منعقد می‌گردد. چنانچه خواهان به دلیل نداشتن نشانی خواننده یا به دلایل دیگری نتواند سند آغازگر دعوا را به خواننده ابلاغ نماید، مطابق ماده‌ی (۱) ۲ قواعد داوری آنسیترال عمل خواهد شد. این ماده مقرر می‌دارد: «به‌منظور این قواعد، هر خطاری از جمله اعلامیه، مکاتبه یا پیشنهاد، دریافت شده فرض می‌شود، چنانچه عیناً [فیزیکی] به مخاطب تحویل شود یا چنانچه در محل سکونت عادی، محل کار یا نشانی پستی او یا چنانچه پس از انجام یک تحقیق متعارف هیچ‌یک از این‌ها یافت نشود، در این صورت در آخرین محل سکونت یا محل کار شناخته شده مخاطب، تحویل گردد. اخطار در روزی که این‌گونه تحویل می‌شود، دریافت شده فرض خواهد شد.»^۷

۱. ماده‌ی (۴) ۱۴ قانون داوری انگلستان:

Article 14: "(4) Where the arbitrator or arbitrators are to be appointed by the parties arbitral proceeding are commenced in respect of a matter when one party serves on the other party or parties notice in writing requiring him or them to appoint an arbitrator or to agree to the appointment of an arbitrator in respect of that matter".

۲. ماده‌ی ۱۸۱ قانون مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی سوییس ۱۹۸۷ (قانون داوری بین‌المللی سوییس)

3. Arbitration Clause

۴. ماده‌ی (۱) ۱۰۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی هلند (قانون داوری هلند ۱۹۸۶)

5. Submission Agreement (existing dispute)

۶. ماده‌ی (۱) ۱۰۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی هلند (قانون داوری هلند ۱۹۸۶)

7. Article 2- Notice. Calculation periods of time.

For the purposes of these Rules. Any notice. Including a notification. Communication or proposal. Is deemed to have been received if it is physically delivered to the addressee or if it is delivered at his habitual residence. Place of business or mailing address. Or. If none of these can be found after making reasonable inquiry. Then at the addressee's last-known residence or place of business. Notice shall be deemed to have been received on the day it is so delivered. For the purposes of calculating a period of time under these Rules. Such period shall begin to run on the day following the day when a notice. Notification. Communication or proposal is received. If the last day of such period is an official holiday or a non-business day at the residence or place of business of the addressee/ the period is extended until the first business day which follows. Official holidays or non-business days occurring during the running of the period of time are included in calculating the period.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالبی که در متن به آن اشاره شد، زمان آغاز داورى از شرایط شکلی و به عبارتی از قواعد تفسیری و تکمیلی است. بنابراین، چنانچه طرفین در مورد زمان شروع داورى در موافقت‌نامه‌ی داورى شیوه و روش خاصی را اعلام و به آن توافق کرده باشند، همان روش لازم‌الرعایه است؛ در غیر این صورت زمان آغاز داورى عبارت است از ابلاغ درخواست داورى به خوانده‌ی داورى و این زمان هم به نوبه‌ی خود آثاری را به دنبال دارد. دادرسی دولتی در محاکم قضایی نقطه آغاز و پایانی دارد؛ با تقدیم دادخواست و برگزاری اولین جلسه‌ی دادرسی شروع و با ختم دادرسی و صدور رأی ظرف یک هفته پس از اعلام ختم دادرسی پایان می‌یابد. در داورى بین‌المللی و داخلی نیز ضرورت دارد تا نقطه‌ی شروع و پایان آن یعنی مدت داورى معلوم و معین و داور نیز مکلف به اظهارنظر در مهلت مقرر باشد. در داورى داخلی، عدم رعایت این مدت و اظهارنظر داور در خارج از مدت داورى از موجبات ابطال رأی وی خواهد بود در داورى بین‌المللی نیز با توجه به اصل سرعت در تجارت و توجه به این امر که داورى نیز عمدتاً در قراردادهای بازرگانی به حمل‌ونقل، بیمه و غیره مرسوم است در مواردی که طرفین مدت داورى را تعیین نموده باشند داور مکلف به اظهارنظر آن مدت و در صورت عدم تعیین مدت با الهام از مقررات داخلی مدت سه ماه برای اظهارنظر داور قابل بود عدم اظهارنظر داور در مدت‌های مقرر از موجبات تأخیر وی و سلب صلاحیت از اظهارنظر داورى خواهد بود.

فهرست منابع

- ۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، چ ۲، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۴.
- ۲- متین، احمد، مجموعه رویه‌ی قضایی شامل آراء (حقوقی- کیفری- استخدامی) هیئت عمومی و آرای شعب دیوان عالی کشور، چاپ آفتاب، ۱۳۴۰.
- ۳- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، چ ۳، تهران، انتشارات دراک.
- ۴- صانعی، پرویز، «ترجمه‌ی مقدمه‌ی ماتیکان هزارداستان»، مجله‌ی حقوق مردم، ش ۲۶.
- ۵- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش قضایی، چ ۱، تهران، انتشارات علوم اسلامی.
- ۶- مافی، همایون و پارسا، جواد، «دخالت دادگاه‌ها در رسیدگی‌های داوری در حقوق ایران»، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ج ۷، ش ۵۷.